

رهبر شیعیان ترکیه: ترکیه نباید سکان امور خود را به آل سعود بسپارد

صلاح الدین ازگوندوز ترکیه بر ایدئولوژی وهابیت را برای تامین منافع ملی ترکیه امری اشتباه تلقی کرده و از فرقه گرایی به عنوان حربه غرب برای ایجاد تنش در منطقه یاد می کند.



به گزارش آران نیوز، بحران سوریه و اختلاف نظری که پیرامون حل و فصل آن وجود دارد تا حدی سطح تنش در روابط دیپلماتیک کشورهای منطقه را افزایش داده تا آنجا که در برخی موارد گفتمان دولتمردان کشورهای همسایه در جهت طرح مسائلی پیش می رود که منافع مسلمانان را در قالب یک جامعه متحد برآورده نمی کند. در این میان، همسویی با برخی از جریان های انحرافی که زائیده استعمار است و استناد به منابع اطلاعاتی غرب موجب شده تا واژه های غربی چون فرقه گرایی به گفتمان سیاسی منطقه راه یافته و واقعیت بحران خاورمیانه به عنوان جنگ بین تروریسم تکفیری و مردمی که زیر بار امپریالیسم نمی روند، به حاشیه رانده شود.

در گفتگو با شیخ «صلاح الدین ازگوندوز» یکی از رهبران شیعیان ترکیه، به بررسی تحولات منطقه و تلاش غرب برای تفرقه افکنی در دنیای اسلام پرداخته شده است. از مسائل و موضوعات مختلفی که در نگاه این متفکر شیعه بسیار حائز اهمیت است می توان به اتحاد ملی، یکپارچگی اجتماعی، پیروی از اسلام به نحو احسن و معرفی آیین اسلامی به دیگران اشاره کرد به نظر شما رفتار حزب حاکم «عدالت و توسعه» و شخص «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه تا چه حد در راستای ایجاد وحدت در جهان اسلام است؟ به بیان بهتر آیا رفتار اردوغان همسو با اهداف دنیای اسلام هست یا خیر؟ ازگوندوز: متأسفانه امروز جهان اسلام یک سو و یک هدف نیست و از نظر واحدی پیروی نمی کند. حتی حداقل در بعضی از موارد مانند موضوع فلسطین که واقعا باید اصل اتحاد رعایت شود، متأسفانه می بینیم که عده ای از مسلمین طرف رژیم صهیونیستی هستند. به عنوان مثال فکر می کنید هدف رژیم آل سعود از بمباران یمن چیست؟ در واقع، به نفع اسرائیل نیست که «باب المندب» در اختیار مقاومت اسلامی قرار بگیرد. بنابراین، متأسفانه عده ای از مسلمین از بینش خلافی پیروی می کنند که عربستان سعودی مرکز آن است.

با عرض تأسف حزب عدالت و توسعه و «اردوغان» رئیس جمهور و «داود اغلو» نخست وزیر ترکیه در این موارد با سعودی ها همسو هستند. این هم موضوع علنی است. به ویژه آنکه در روزهای اخیر مذاکرات با اسرائیل درباره بهبود مناسبات آنکارا تل آویو مسئله سزای نیست که ما فاش کنیم و با اعلام خود آنها همه جهان از این موضوع مطلع هستند. بنابراین رئیس جمهور و نخست وزیر ما به تنهایی در خلاف جهتی که همه مسلمین می روند نایستاده اند.

با عرض تأسف، عده ای از مسلمین به گام برداشتن در مسیر خلاف مایل تر هستند. اینکه رفتار دولتمردان ترکیه در راستای خدمت به صهیونیسم و امپریالیسم است و یا اینکه منافع ملی ترکیه را این طور تشخیص داده اند، ترجیح می دهم حالت دوم را متصور شوم چرا که اگر بگویم دولت آنکارا در خدمت صهیونیسم و امپریالیسم است به غرور ملی ام خدشه وارد می شود. به نظر من دولتمردان ترکیه در تشخیص این مطلب اشتباه می کنند که منافع ملی ما در اتحاد با این جبهه که اغلب عقیده وهابی دارند، تامین می شود. جمهوری ترکیه نباید زیر بار آل سعود که ایدئولوژی وهابی- تکفیری سلفی دارد برود.

فی الواقع، آل سعود به تدبیر انگلستان و برای از بین بردن وحدت مسلمین که در عثمانی متجسم بود، تشکیل شد. بنابراین حالا کار صحیحی نیست که ترکیه به عنوان وارث امپراتوری عثمانی با سعودی ها همکاری کند. این در شأن جمهوری ترکیه نیست که با رهبری و محوریت آل سعود، امور بین المللی خود را پیش ببرد. حضور ترکیه در ائتلاف مبارزه با داعش را چگونه ارزیابی می کنید؟

ازگوندوز: در این مورد واقعیت میدانی بنا به برداشت ما و استناد به اخبار برخی منابع خبری یک چیز را نشان می دهد ولی حکومت ما چیز دیگری را می گوید. دولت آنکارا از روی احتیاط هم که باشد به تروریستی بودن گروه داعش اذعان می کند چون به هر حال همه در جبهه مخالف به این امر معترف هستند و ترکیه هم از آنها پیروی می کند به ویژه حالا که کم و بیش درگیری هایی با داعش داشته است (مثل حادثه تروریستی شهر «سورج» که احتمالا داعش عامل آن بوده است).

دولت آنکارا رسماً می گوید که در جبهه مقابل داعش است اما اینکه واقعیت میدانی این مورد را تصدیق می کند یا خیر باید بگویم چندان این موضوع را تصدیق نمی کنم. شاید مبنای دیدگاه ما و دولت یکی باشد ولی منابع خبری ما با یکدیگر فرق دارد. خبرهایی که به ما می رسد حاکی از آن است آنهایی که اقدام به کشتار شهروندان و کودکان بی گناه می کنند از بین داعشی ها و دیگر گروه های تروریستی مخالف دولت سوریه هستند.

اما، ترکیه کشتار مردم بی گناه را به دولت دمشق نسبت می دهد. شخصاً دلم نمی خواهد باور کنم که این شخصیت های مسلمان (مقامات ترکیه) حقایق را از روی عمد وارونه جلوه می دهند و ترجیح می دهم بگویم که در این مورد منابع اطلاعاتی آنها را به اشتباه می اندازد چرا که به هر حال بین منابع اطلاعاتی کشورهای متحد همکاری وجود دارد. شاید «موساد» سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی، «سی آی ای» آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا و امثال اینها به دولتمردان ترکیه ای گزارش های شیطنت آمیزی می دهند که مخالف با برداشت ما هستند. ما حتی این احتمال را هم که اخباری که به دستمان می رسد اشتباه

باشد، بررسی می کنیم. گمان هم نکنید که منابع خبری ما یک جانبه است و فقط به رسانه های همسو استناد می کنیم؛ بلکه از خود سوری ها هم واقعیت امر را جویا می شویم. اهل تسنن هم برادران دینی ما هستند و ما شیعیان ترکیه در مقابل هر که خون آنها را به ناحق بریزد ایستادگی می کنیم. بنابراین در بررسی های خود پای صحبت اهل تسنن هم می نشینیم. فراموش نکنید که شیخ «احمد بدرالدین حسون» مفتی اعظم سوریه هم سنی است و از وی هم پرس و جو کرده ایم. آیا ما از وی که فرزندش (در راه دفاع از سوریه) به شهادت رسیده به اهل تسنن مهربان تر هستیم؟ شیخ «محمد سعید رمضان البوطی» هم یکی از علمای برجسته اهل تسنن بود که به هنگام حضور در مسجد و در حین تدریس قرآن به شهادت رسید. ذکر این موارد گواهی است بر این حقیقت که منابع خبری ما یک جانبه نیست و این ادعا که ایران این مطالب را به ما دیکته می کند کذب است. ما حتی از سوری های مهاجری که مخالف «بشار اسد» رئیس جمهوری سوریه هستند و به ترکیه آمده اند می پرسیم که آیا حمله به شهروندان سوری از سوی تروریست ها است یا از جانب دولت دمشق.

متأسفانه اگر جنگ تروریستی در داخل شهرها جریان داشته باشد و تروریست ها ناجوانمردانه مردم را سپر بلای خود کنند، ناگزیر خشک و تر با هم می سوزند. اگر تروریست ها در داخل کوه ها متمرکز باشند، در حمله هوایی فقط آنها کشته می شوند و نه مردم عادی. من این ادعا را ندارم که هیچ شهروند بیگناهی در جنگ سوریه کشته نمی شود اما واقعیت این است که گناه ریخته شدن خون آنها هم به گردن تروریست ها است چرا که آنها از بین مردم بیگناه به دولت حمله می کنند و مردم را سپر انسانی می کنند. برای من که اخبار و منابع متعدد را بررسی می کنم، یقین حاصل شده است که کشتارهای عمدی مردم از طرف گروه های مسلح تروریستی است.

چه عاملی سبب جدایی حزب عدالت و توسعه از حزب «سعادت» به رهبری مرحوم «اربان» شد؟

ازگوندوز: اردوغان یکی از شاگردهای مرحوم اربان هستند. اربان رویکرد اسلامی داشت، سنی بود و روی مذهبش هم بسیار تعصب داشت. اما در عین حال وی ملی و امّتی هم بود و به مسائل نیز از همین زاویه نگاه می کرد. نظر ایشان درباره سوریه از قدیم الایام واضح بود و حتی وی تصریح کرد که ترکیه را روزی با سوریه درگیر خواهند کرد. نظر حزب سعادت و حزب عدالت در رابطه با همسویی با آمریکا و غرب یکسان نیست و همین امر به جدایی آنها منجر شد. تحلیل شما از جریان های افراطی سنی و شیعه که عموماً از سوی سرویس های اطلاعاتی انگلیس و آمریکا تغذیه می شوند، چیست؟

ازگوندوز: استعمار همزمان با ایجاد فرقه وهابیت در بین اهل تسنن، فرقه بهائیت را نیز در بین اهل تشیع به وجود آورد. حتی اخیراً هم که القاعده و داعشی ها و امثال آنها را در بین اهل تسنن به وجود آورده اند، در طرف ما شیعیان هم گروه های افراطی را به وجود آوردند که مقدسات اهل سنت را نادیده می گیرند. البته تمام مراجع تشیع این اعمال را تقیح و تحریم می کنند و این گروه های افراطی پایگاهی در ایران و دیگر ممالک شیعه ندارند حال آنکه در مقابل، در اهل تسنن جریان های وابسته به وهابیت به مدد دلارهای شرکت نفت عربی آمریکایی «آرامکو» و امثال آن تقویت شده و به صحنه جنگ میدانی هم وارد می شوند.

مسئله این است که غرب و دولت های وابسته به آن از بیم فرهنگ شهادت جرأت رویارویی مستقیم با مسلمین را ندارند بنابراین به حربه تفرقه متوسل شده و آنها را به جان هم می اندازند. این که دشمن به چنین راهکاری متوسل شود عجیب نیست بلکه ما که به جان هم می افتیم باید به عمق حماقتی که در این مسئله نهفته است پی ببریم. شیعیان آنچه که در توان دارند برای وحدت مسلمین انجام می دهند. ائمه ما مال و جان و ناموس یک برادر اهل تسنن را به اندازه یک شیعه محترم می شمارند.

اخیراً اردوغان ادعا می کند که سیاست های فرقه گرایانه ایران در منطقه باعث ایجاد بحران در سوریه شده است. آیا درست است که از بحران سوریه به جنگ فرقه ای تعبیر کنیم؟

ازگوندوز: من اصلاً این مسئله یعنی فرقه ای بودن بحران سوریه را قبول ندارم. حتی در مورد مشابه یعنی از اولین روزی که آمریکا وارد عراق شد و گروه های تروریستی در آنجا ریشه گرفتند من بارها برخلاف نظر برخی از کشورهای منطقه تأکید کردم که در عراق مسئله ای به اسم جنگ شیعه و سنی وجود ندارد. بلکه جنگ بین تروریستها و مردم و دولت عراق جریان دارد. آنهایی که آلت دست امپریالیسم هستند می خواهند جنگ شیعه و سنی به راه بیاندازند حال آنکه مراجع شیعه در ایران، عراق و نجف اصلاً به این موضوع باور ندارند و حتی وقتی با بمبگذاری به مراقد ائمه مطهر(ع) ما بی حرمتی می شود، باز هم مراجع ما اجازه نمی دهند که مردم تحریک شوند و این را یک جرم فردی می دانند که باید از سوی دولت پیگیری شود و نه عاملی برای تفرقه بین شیعه و سنی.

فلسطینی ها اهل تسنن هستند اما ما از آنها حمایت می کنیم. حال، سؤال این است که این جریان های افراطی چرا به داد اهل تسنن فلسطین نمی رسند؟ ادعا می کنند که بشار اسد ظالم است. مگر «نتانیا هو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی عادل است؟! مگر «ملک سلمان» پادشاه عربستان سعودی عادل است؟! آیا این نشانه تناقض (در ادعاهای آنها) نیست؟ آل سعود هر روز تعدادی از مسلمین را در یمن به شهادت می رساند و هر روز شاهد تجاوز هوایی نیروهای حامی عربستان و خالی کردن بمب های نامتعارف بر روی بازارها، مدارس و مرزبانی های یمن هستیم. آیا اینها ظالم نیستند و فقط بشار اسد که از وحدت کشورش دفاع می کند، ظالم است؟!

انصافاً شیعه حتی المقدور طرف جنگ طایفه ای نیست. از نظر ما یک طرف تروریست ها هستند و در طرف دیگر مردم بیگناه.

فتوا های مرجع عالیقدر تشیع «آیت الله سیستانی» هم که مبدا آسیبی به مردم بیگناه برسد، تاکید بر این مطلب است. بنابراین، در عراق و در سوریه جنگ شیعه و سنی وجود ندارد. حتی در یمن و بحرین هم موضوع جنگ شیعه و سنی مطرح نیست. بلکه صحبت از جنگ ظالم (تروریست) و مظلوم است. زیدی های یمن بیش از تشیع به آراء و افکار حنفیه نزدیک هستند اما می خواهند که نقش تعیین کننده ای در سرنوشت خود داشته باشند - مسئله ای که به مذاق سعودی ها خوش نمی آید. اعتقاد غالب ما این است که کسی حق ندارد آراء خود را به یک کشور دیگر تحمیل کند و بهتر است آنهایی هم که ادعای دموکراسی می کنند اجازه دهند که مردم سوریه و یمن طبق موازین دموکراتیک حق انتخاب داشته باشند.

آنهایی که دائم بر طبل فرقه گرایی می کوبند باید در برابر این استدلال پاسخگو باشند که در کشورهای مسلمانان مثل لیبی، سومالی و تونس دیگر مسئله جنگ بین سنی و شیعه مطرح نیست، پس چرا آنجا تروریسم شایع است و اهل تسنن را می کشند؟ بنابر این جنگ شیعه و سنی دروغ است. این جنگ بین گروه های تکفیری و مردم است که نمی خواهند آلت دست صهیونیسم و امپریالیسم شوند.

به طور کلی وضعیت علویان ترکیه در فضاهای سیاسی اجتماعی چگونه است؟

ازگوندوز: در کابینه «بشار اسد» که ادعا می شود ظالم است! ۲۴ نفر از اهل تسنن حضور دارند. نخست وزیر سوریه هم اهل تسنن است. پست های وزارت خانه ای مهم دست اهل تسنن است. در ارتش لاقلاً ۷۰ درصد اهل تسنن هستند. حال سؤال این است که ترکیه چه تعداد وزیر علوی دارد؟ ترکیه سه تا وزیر علوی دارد و سه تا هم غیر مسلمان و بقیه همه اهل تسنن هستند. از وزارت که بگذریم ترکیه چند تا مشاور، معاون، مدیر کل، استاندار و حتی فرماندار علوی دارد؟ آیا این رفتار آنهایی که به اسد ظالم می گویند خیلی دموکراتیک است؟

این در فرهنگ علوی ها نیست که برای کسب کرسی سیاسی کشتار و خونریزی به راه بیاندازند و از راه های دموکراتیک مبارزه می کنند. شیعه در همه جای جهان مظلوم واقع می شود و برای مقام خونریزی نمی کند همانطور که حضرت علی (ع) چنین کاری را نکرد و فرمود: حکومت از آب بینی یزید هم در نزد من پست تر است مگر آنکه بتوان حقی را به واسطه آن احیاء کرد. بیش از ۳۰ درصد ترکیه علوی است و آنها بنا ندارند که برای پست و مقام جنگ کنند. ما اعلام کرده ایم که همیشه هابیل خواهیم ماند و هیچ وقت قابیل نخواهیم شد. ما همه اهل تسنن را در همه احوال برادر می دانیم و هرگز دستمان را به خون آنها آغشته نمی کنیم.

با توجه به برنامه غرب برای تجزیه منطقه، مهمترین حرکت رهبران جهان اسلام در این رابطه چه می تواند باشد؟

ازگوندوز: این در راستای همان پروژه خاورمیانه بزرگ (تغییر مرزها و تقسیم خاورمیانه به کشورهای متعدد بر اساس اقلیت ها و طوایف موجود) است و اهداف چندگانه ای را دنبال می کند. نخست آنکه دیگر هیچ قدرتی باقی نماند تا در برابر رژیم صهیونیستی قد علم کند. تنها دولت عربی که در برابر اسرائیل ایستادگی می کرد نظام حاکم بر سوریه است که باید از بین برود. دیگر آنکه می توان با تکیه بر اختلاف نظر درباره سوریه، دو کشور ایران و ترکیه را به جان هم انداخت. اگر غرب به طور مستقیم با ایران وارد جنگ شود درگیری آنها به جنگ مسیحی در برابر اسلام تعبیر می شود و مسلمین چه شیعه و چه سنی طبیعتاً طرف ایران را می گیرند. اما، در قبال موضوع سوریه درگیری بین ترکیه و ایران به نفع غرب تمام می شود و هزینه ای هم برای آن ندارد. از سوی دیگر، غرب به دلیل موقعیت جغرافیایی ترکیه که قابلیت نفوذ تا بالکان و چین را دارد، باید این کشور را مهار کند. من حتی در دوره ای که اردوغان سمت نخست وزیری ترکیه را بر عهده داشت به وی گفتم غرب ذهن ما را با مقولاتی مثل هلال شیعی و محور سنی درگیر می کند تا از تلاش آنها برای تشکیل هلال اسرائیلی غافل بمانیم. هلالی که در نوک جنوب غربی رژیم صهیونیستی، در وسط گردها و در نوک شمال شرقی کشورهای مسیحی جای گرفته باشد. به این ترتیب ترکیه از جغرافیای اسلام جدا شده و به یک جمهوری کوچک تبدیل می شود و خیال غرب هم راحت می شود چون دیگر کاری از دستمان بر نمی آید و خادم آنها می شویم و ایده به وجود آوردن یک کردستان مستقل هم از همین جا ناشی می شود.

بنابراین غرب منافع چندگانه ای را در مسیر تجزیه خاورمیانه دنبال می کند در حالیکه برای هیچ یک از مذاهب، فرقه ها و کشورهای منطقه حاصلی جز خونریزی، حزن و درد باقی نمی ماند. پس کاری که ما باید انجام دهیم و تشکیل کنفرانس هایی مثل «وحدت اسلامی» هم بر آن تکیه دارد، تکرار فریاد «یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا» است. ما در برابر بازی های امپریالیسم راه دیگری جز بیداری و اتحاد نداریم.